

یک اتفاق ساده

سخت گیری اشتباهی در سینما



کیوان کثیریان

● بارها گفته شده و خود من نیز چندباری نوشته‌ام که قوانین مربوط به پروانه ساخت دیگر کارآمد نیست و نیاز به بازنگری جدی دارد. در زمانه‌ای که با یک گوشی موبایل می‌شود فیلم ساخت و به هرنحو، نمایشی هم برای آن ترتیب داد یا در فضای مجازی منتشرش کرد، اجازه ساخت چه معنایی دارد؟ دیگر کسی می‌تواند وجود آن فیلم را منکر شود؟ همان‌گونه که اجازه نوشتن فیلم‌نامه معنایی ندارد، اجازه ساختن فیلم نیز بی‌معنا شده است. دولت می‌تواند، مطابق قوانین موجود اجازه نمایش فیلمی را بدهد یا نه، همان‌طور که می‌تواند طبق همین قوانین فعلی اجازه چاپ یا توزیع کتابی را بدهد یا نه. طبعاً اگر نقش دولت در تولید به حداقل برسد و شرایط فیلم‌سازی به‌گونه‌ای عادلانه و تابع قواعد بازار تنظیم شود، آن‌کس که متقاضی فیلم‌سازی است ولی توان متقاعدکردن تهیه‌کننده خصوصی را ندارد یا از حداقل شرایط لازم برخوردار نیست، نمی‌تواند تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار پیدا کند و حتی اگر مشکل سرمایه و تهیه‌کننده نداشته باشد، در پروسه تولید و ساخت به دردسر می‌افتد و اگر بعد در مرحله پروانه نمایش به زمین سفت می‌خورد یا بعدها در مرحله اکران به دردسر می‌افتد و تازه اگر اکران شود و از شرایط استاندارد حداقلی تهی باشد، مخاطب پیدا نمی‌کند. در این شرایط است که آنها که اشتباه به حوزه سینما وارد شده‌اند، به‌ناچار حذف خواهند شد. همه اینها در شرایطی است که شرایط بازار، مبتنی‌بر توان بخش خصوصی و سازوکار عرضه و تقاضا باشد وگرنه فساد و نادرستی در حوزه تولید برقرار خواهد ماند. اگر نظارتی هم نیاز باشد باید بیشتر معطوف به وضعیت برخی تهیه‌کنندگان باشد؛ آنجا که اولین سؤال تهیه‌کننده از کارگردان این است که «بودجه فیلم‌رو که خودت میاری دیگه؟» و دومین جمله این گزاره خبری است که «من فلان قدرمیلیون می‌گیرم». در سینمایی که اکثریت تهیه‌کنندگان فقط از مجوز تهیه‌کنندگی‌شان استفاده صوری می‌کنند و بابت درج نامشان در عنوان‌بندی از کارگردان پول می‌گیرند و تنها چیزی که برایشان مهم نیست کیفیت فیلم، حرف و اندیشه فیلم و استانداردهای آن است، مشخصاً اشکال پیدایش وجود دارد. چرا باید کسی که با هر تریبی موفق شده مجوز تهیه‌کنندگی بگیرد اما نه صاحب تفکر و هدف در سینماست، نه زحمتی بابت هزینه‌کردن سرمایه شخصی یا جذب سرمایه می‌کشد و نه دغدغه بازگشت سرمایه دارد و نه چیزی از استانداردهای سینما می‌داند، اجازه ساخت فیلم داشته باشد؟ آیا نظارتی بر مناسبات مالی داخل پروژه وجود دارد؟ به گمانم یکی از دلایل افت محسوس سینمای ایران همین است. با این اوضاع به نظر می‌رسد نگرانی‌ها باید از این ناحیه باشد و درباره صلاحیت آدم‌ها برای تصاحب مجوز تهیه‌کنندگی تجدیدنظر انجام گیرد. سخت‌گیری روی پروانه ساخت آدرس اشتباهی و نکته انحرافی است.

تماشاخانه

نمایشی برای جانبازان دفاع مقدس

● شرق: جانبازان اعصاب و روان دفاع مقدس، این‌بار به روایتی دیگر دیده خواهند شد. خواب‌آلودگی، نام نمایش‌نامه‌ای است که ۲۶ مهرماه برای حمایت معنوی از جانبازان اعصاب و روان هشت سال دفاع مقدس با کارگردانی سینا نورانی روی صحنه می‌رود. متن این نمایش‌نامه را احسان بیات‌فر به تحریر درآورده و فرین محدث، سهیل ساعی، زینب قادری، امیرعلی ابراهیمی و سینا نورانی در این اثر نمایشی، نقش آفرینی خواهند کرد. این اثر نمایشی به شیوه اجراخوانی و در تاریخ یکشنبه ۲۶ مهر ساعت ۲۰ در سالن تئاتر باران (خیابان فلسطین، پایین‌تر از خیابان انقلاب، پلاک ۲۹۲) به اجرا درمی‌آید. علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر یا تهیه بلیت می‌توانند به سایت www.tiwall.com مراجعه کنند.

اولین دوره جایزه معماری آسیا برگزار شد

۶ جایزه از ۷ جایزه به ایرانی‌ها رسید



عبدالله شریف

معماران ایرانی تعلق گرفت.

اما ایران به‌غیر از برندگانش، نماینده دیگری نیز در این مراسم داشت. بهرام شیردل، معمار شناخته‌شده ایرانی نیز در بخشی از برنامه سخنرانی کرد. او از اهمیت قاره آسیا، اصالت آن و نقش معماری سخن گفت و این جریان را بسیار تاثیرگذار تلقی کرد. شیردل گفت سال آینده نیز در کنار برگزارکننده و در جریان جایزه قرار خواهد گرفت. پس از او، رومی خوسلا، از اعضای هیأت داوران و معمار هندی هم از روند دآوری سخن گفت و مراحل دآوری را توضیح داد.

در ادامه حدود ۵۰۰ پروژه از پروژه‌های این مسابقه در یک ویدئو برای حاضران نمایش داده شد. ضمن اینکه فیلم کوتاهی از مراسم دآوری به نمایش درآمد. سپس هدایا به برندگان و تقدیرشدگان داده شد.

محسن مرتضایی‌فر، سرکنسول‌گری ایران در استانبول نیز از حاضران این مراسم بود که برگزارکننده مسابقه از او نیز برای حضور و اهدای جوایز به ایرانیان دعوت کرد.

در گروه طرح‌های اجرانشده، رتبه اول به‌صورت مشترک به بهمن مهربانی، محسن تاج‌الدین و پگاه الهیان رسید. در گروه معماری داخلی رتبه نخست را هومن بالازاده دریافت کرد. بالازاده پیش از این برای طراحی داخلی کافه «اسپریس» مسابقه معماری (architect awards) A+ را از آن خود کرده بود. او در طول سال‌های فعالیتش، حدود ۳۸ پروژه در ایران و سایر کشورها طراحی و اجرا کرده و مدرس دانشگاه آزاد دویی نیز بوده است. بالازاده رتبه دوم جایزه معمار برای پروژه کارخانه رسیدگی و بافندگی احسان‌پود در سال ۱۳۸۶، لوح تقدیر جایزه معمار برای پروژه اداری - تجاری شاه‌دکم در

سال ۱۳۸۶، رتبه اول مسابقه معماری داخلی مجله معماری برای طراحی نما در سال ۱۳۸۸، رتبه سوم مسابقه معماری داخلی مجله معماری و ساختمان برای طراحی نمایشگاه آنتون‌کورت در سال ۱۳۸۸، رتبه اول مسابقه معماری داخلی و طرح منتخب در مسابقه بین‌المللی داخلی WAF در بارسلون و برای طراحی داخلی کافی‌شاپ ولنجک در سال ۱۳۸۹ و رتبه دوم مسابقه معماری مجله معمار برای طراحی ساختمان کارخانه پرشین را در سال ۱۳۹۱ در کارنامه‌اش دارد.

در گروه بازسازی، علی سوداگران و نازنین کارزونیان رتبه دوم و در گروه معماری داخلی آرش حیدریان و فهیمه منتصری هم رتبه دوم این جایزه را از آن خود کردند. در گروه معماری داخلی و بازسازی ایمان شفیعی و بهزاد منش‌گر رتبه سوم را کسب کردند.

همچنین تقدیرشدگان ایرانی مسابقه معماری آسیا، لیلای عراقیان، رضا دانشمیر و کاترین اسپریدونف، رضا نجفیان، حمید میرمیران، شیوا آقابابایی، مهدی کامپوزیا و هلنا قنبری بودند.

جایزه سالانه معماری آسیا با همکاری بدنه‌های دانشگاهی، فرهنگی و حرفه‌ای معتبر آسیایی به بازشناسی و معرفی دستاوردهای قاره آسیا در حوزه نظری و عملی معماری و شهرسازی پرداخته است. نخستین دوره جایزه AAA2، با همکاری دانشگاه فنی استامبول، ITU و پشتیبانی فرهنگی نهادهای معتبری مانند کمیسیون ملی یونسکو، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و گردشگری ایران، دانشگاه Bilgi استامبول و Total Design Gallery، Dubai برگزار شده است. این دوره بر چگونگی پاسخ‌گویی معماران، شهرسازان، طراحان منظر و... به چالش‌های معاصر

نگاهی به نمایش «مضحکه شبیه به قتل»

وای بر مغلوب*

این مقوله آشنایی خوبی دارد و نباید در ذکاوتش تردید کنیم. او در این اجرا توانسته از ظرایف نهفته در نمایش‌های سنتی به‌خوبی بهره بگیرد. متن در کلیتش خوب نوشته شده، کارگردانی خوب است. اما طراحی صحنه، لباس و نور بسیار عالی است. بازی‌ها هم عموماً خوب هستند از جمله بازی شهرام حقیقت‌دوست در نقش شاگرد حاجی یا همان سیاه آشنا در نمایش‌های روحوضی، البته با چهره سفید. او همان نقشی را بازی می‌کند که از دن‌کیشوت به‌بعد، به‌عنوان تیپ واردست و افشاگر، در اغلب کمدی‌های تاریخی و اجتماعی شناخته شده است. همان سانچو پانزا در کیشوت یا مش‌قاسم، دابی‌جان ناپلئون و نومه‌های



چهره روز

جایزه «لومیر» به اسکورسزی اهداشد
ادای احترام کیارستمی
به خالق «راننده تاکسی»

● شرق: جمعیت زیادی مقابل ساختمان برگزاری جشنواره فیلم لومیر در فرانسه صف بسته بودند. مارتین اسکورسزی از ماشین پیاده می‌شود و زیر فلاش دوربین‌های عکاسی و جمعیتی که سعی دارند او را از نزدیک ببینند، وارد ساختمان می‌شود. داخل تالار برگزاری مراسم نیز به همان نسبت پر از جمعیت است. صندلی‌های قرمزنگ تالار، برگزاری مملو از جمعیتی است که به محض اعلام نام مارتین اسکورسزی از جا بلند می‌شوند و دقایقی ایستاده برای او دست می‌زنند. جایزه دستاورد سینمایی جشنواره فیلم «لومیر» امسال به کارگردان صاحب‌نام، مارتین اسکورسزی اهدا شد. در این رویداد باشکوه عباس کیارستمی، فیلم‌ساز مطرح ایرانی نیز حضور داشت. آشنایی کیارستمی و اسکورسزی که به عنوان رؤسای بخش سینه‌فونداسیون کن -که به فیلم‌سازان جوان کمک می‌کنند تا اولین یا دومین فیلم بلند خود را بسازند- همکاری خوبی با یکدیگر داشته‌اند، باعث شد کیارستمی در این جشنواره یک فیلم کوتاه سه‌دقیقه‌ای ویژه نیز با عنوان «ممنون مارتی» برای تشکر از اسکورسزی به او هدیه کند که در این مراسم به نمایش درآمد. این هفتمین سالی است که جشنواره فیلم لومیر از یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های سینمایی برجسته و در قید حیات تجلیل می‌کند و امسال نوبت مارتین اسکورسزی کارگردان بزرگ آمریکایی بود. اسکورسزی پس از دریافت جایزه‌اش، خوشحالی‌اش را از دریافت این جایزه ابراز کرد. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش از حس‌وحالش درباره ساخت فیلم صحبت کرد و گفت: ساخت و دیدن فیلم برای من مثل کشف جهانی دیگر است و از طریق ساخت فیلم هنرهای دیگر مثل موسیقی، شعر و سایر هنرها برایم ملموس‌تر می‌شود. در این مراسم که دریافت‌کنندگان پیشین جایزه دستاورد سینمایی جشنواره «لومیر» چون «کلیت ایستودو»، «کوئنتین تارانتینو»، «پدرو المادارو» و دیگر چهره‌های سرشناس سینمایی، از جمله عباس کیارستمی، «الکساندر دسپلالت»، «آنگه‌ساز برنده اسکار»، «مایکل هازاناو سیوس» و همچنین «بیر لسکیور» رئیس جشنواره کن، مکس فون سیدو، بازیگر فیلم «شاترلاند»، امیلی موریتیم، ژان پیر ژونو و برنیس یوز بازیگر مشهور فرانسوی، از حاضران در این جشن بودند.

خبرسازان

پیشانی تالار اصلی تئاتر شهر
فرو ریخت

● شرق: ظهر روز گذشته، ۲۵ مهرماه، پیشانی سن تالار اصلی تئاتر شهر فرو ریخت و دلیل این حادثه، نصب دکور، اعلام شده است. در این حادثه، یکی از کارمندان تئاتر شهر با نام «بهزاد خالخال» آسیب دیده و راهی بیمارستان شده است که وضعیت جسمانی‌اش خوب است. به گزارش ایسنا سیم بکسلی که نگهدارنده دکور و پیشانی بسن سالن اصلی تئاتر شهر بوده، پاره شده و آن هم به دلیل وزن سنگین (حدود ۱۰ تن) پیشانی سن و دکوری است که قرار بود نصب شود و پیشانی پایین افتاده است. علی مرادخانی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، که به همراه مهدی شفیعی، مدیرکل هنرهای نمایشی، پس از این اتفاق خود را به تئاتر شهر رسانده بود، درباره نمایش «تور» که به‌زودی قرار است در تئاتر شهر به صحنه رود موضوع دقیق‌تر اظهارنظر کنیم. او همچنین درباره اینکه اگر قرار باشد بازسازی به سرعت صورت گیرد باید مشکلات بودجه و بودورک‌اسی اداری رفع شود و منظور این اتفاق رخ خواهد داد؟ گفت: ما نیز به همین فکر می‌کنیم و معتقدیم تعطیلی، درمان تئاتر شهر نیست. اگر تعطیلی هم رخ دهد، نسبت به آن موضع داریم، چون دوست نداریم در این شرایط در این سالن کار شود. مسئله این است که باید این سالن را از هر نظر امن کرد، مخصوصاً که فکر می‌کنم تا شب گذشته در تالار اصلی برنامه نمایش‌نامه‌خوانی اجرا می‌شد و ممکن بود اتفاق دیگری رخ دهد. مرادخانی افزود: بااین‌حال خدا رحم کرد، این حادثه تلفات جانی در پی نداشت؛ اما پیگیری می‌کنیم تا موضوع حل شود. ضمن اینکه این کار در تئاتر شهر باید خیلی پیش‌تر از اینها شروع می‌شد و حالا به جایی رسیده است که نشان می‌دهد حرفی که می‌زنیم واقعیت دارد؛ البته دراین‌بین تالار وحدت و موزه هنرهای معاصر مشکلات کمتری ندارند.

دلیل که غیراخلاقی است، رد کرده‌اند، نمی‌دانم چه کسی پشت این نمایش بوده که کارگردان توانسته است وارد مقلاتی شود که حتی در برخی نمایش‌های غیراخلاقی پیش از انقلاب هم مجوز نمایشی دریافت نمی‌کردند. نمونه‌اش مجموعه نمایشی «مورچه داره» کار زنده‌یاد رضا میرملوچی، سینماگر آگاه آن زمان که برای پخش از تلویزیون در ایام نوروز تولید شد اما مجوز پخش نگرفت. چون وارد یک جمع زنانه و بازی‌های نمایشی ویژه خانم‌ها شده بود. البته آن مجموعه بسیار از این نمایش محبوب‌تر بود. درحالی‌که می‌میزان کتاب، فیلم و دیگر فراورده‌های فرهنگی و هنری، مو را از پوست می‌کشد تا حقوقشان حلال شود، چگونه نوبسته و کارگردان این نمایش که بدون این‌همه وقاحت هم می‌توانست نمایش جذاب و سرگرم‌کننده‌ای باشد، توانسته است آقایان را متقاعد کند؟ من البته از بیخ و بن با هرگونه ممیزی مخالفم ولی با این نوع نمایش بردمی و لوگوی هایش مخالف می‌شود یا به صورت معتقدم تعداد این‌گونه آثار باید هرچه بیشتر شود. چون مردم خسته و دلمرده ما نیاز به خندیدن دارند. اما خندانند به چه قیمتی؟ به قیمت نادیده‌گرفتن حرمت یکی از بهترین سالن‌های تئاتر در ایران؟ جای این‌گونه نمایش‌ها هم مثلاً سالن سنگلج است یا برخی هتل‌ها، هر جای دیگر ولی سالن اصلی تئاتر شهر نیست. درعین حال گیریم که آن‌قدر ممیزان دموکرات و آزاداندیش شده‌اند که به قول جوانان امروزی، خیلی «گیر ندهند» ولی پرسش این است که آیا این دموکراسی شامل همه دست‌اندرکاران تئاتر به‌ویژه نسل جدیدی که می‌کوشد تجربه‌های متفاوتی انجام دهد نیز می‌شود یا به صورت انحصاری در اختیار آدم‌های خاص است؟ در این شرایط، وای به حال جوانانی که دارند درس تئاتر می‌خوانند و خون دل می‌خورند تا تجربه‌هایشان را حتی اگر شده در سالن‌های کوچک، مهجور و غیرحرفه‌ای روی صحنه ببرند.

«عنوان این یادداشت از نمایش‌نامه‌ای اثر زنده‌یاد غلامحسین ساعدی گرفته شد.